

مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی و تحلیل سیاست خارجی ترکیه (مطالعه موردی دولت عدالت و توسعه)

محمد حسین جمشیدی*

ولی گل محمدی**

چکیده

به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در ترکیه در سال ۲۰۰۲، گفتمان و رفتار سیاست خارجی این کشور را دچار تغییرهای اساسی کرد. تصمیم‌گیران دولت عدالت و توسعه در سایه یک سیاست خارجی عمل‌گرایانه و چندجانبه از گزینه‌های مختلف تصمیم‌گیری و جهت‌گیری‌های موقعیتی برای رسیدن به اهداف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود بهره برده‌اند. مقاله حاضر، به تحلیل تئوریک سیاست خارجی ترکیه در دوره حکومت دولت عدالت و توسعه پرداخته و تلاش کرده است تا تحلیلی از ادبیات سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد و مدل تصمیم‌گیری سیاست خارجی رهبران دولت عدالت و توسعه ارائه دهد. بر این اساس با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی و منابع اسنادی به دنبال پاسخ‌گویی به

*. استادیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس.

** . دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول):

. (V.Golmohammadi19@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۴

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره هفدهم، صص ۱۶۶ - ۱۳۹.

این سؤال برآمده است که سیاست خارجی ترکیه در چارچوب مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی چگونه قابل تحلیل است؟ از آن‌جا که مطالعات دانشگاهی در این حوزه کم‌تر از مدل‌سازی تئوریک استفاده کرده و بیش‌تر در حد مطالعات توصیفی باقی مانده‌اند؛ پژوهش موجود، به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال مذکور، به مدل‌سازی تصمیم‌گیری دولت عدالت و توسعه بر اساس مدل نظریه شهودی چندوجهی پرداخته و گزینه‌های مختلف در سیاست خارجی حزب حاکم را با توجه به ابعاد مختلف؛ اقتصادی، سیاست داخلی، فرهنگی و ایدئولوژیک و نظامی و استراتژیک، موردپژوهش قرار داده است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، سیاست خارجی، مدل‌های تصمیم‌گیری، مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی، حزب عدالت و توسعه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

به صورت کلی می‌توان سیاست خارجی را در برگیرنده مجموعه‌ای از اهداف، آمال، ضرورت‌ها و انتظارات ویژه‌ای دانست که بر اساس قدرت ملی، موقعیت جغرافیایی، روابط منطقه‌ای و جایگاه بین‌المللی تعیین و به‌وسیله کارگزاران دستگاه دیپلماسی کشور متبوع اعمال می‌شوند. در کشورهای دموکراتیک با ساختار سیاسی و اجتماعی نوپا، دولت‌ها از یک‌سو، به منظور تأمین خواست‌ها و دیدگاه‌های جامعه خود فضای مشارکت جویانه و مردم‌سالارانه‌ای را ایجاد می‌نمایند و از سوی دیگر، برای استقرار سیاست خارجی پایدار، سعی در بنای یک ساختار همکاری جویانه دارند که همه گروه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی سهیم کند. دستگاه سیاست خارجی ترکیه نیز از این امر مستثنی نیست و تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور به‌منظور کسب مشروعیت و حمایت داخلی و به حداکثر رساندن نفوذ و منافع خود در نظام بین‌الملل، در فرایند تصمیم‌گیری، بر این تلاشند که منافع تمام گروه‌ها را در نظر بگیرند. پس از دهه ۱۹۹۰ و با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و برچیده شدن نظام بین‌الملل دوقطبی شکننده، ترکیه بیش‌ازپیش نیازمند یک فرایند سیاست‌گذاری خارجی دموکراتیک، عقلایی و نهادمند بوده است. چرا که در دوره پسا جنگ سرد، با کم رنگ شدن مرز میان سیاست داخلی و سیاست خارجی، ارزش‌های دموکراتیک به‌عنوان منبع مشروعیت و توسعه در سراسر جهان مورد توجه قرار گرفت و از سوی دیگر، بازیگران غیردولتی از جمله NGOها، گروه‌های فشار، رسانه و گروه‌های ذینفع، به‌طور فزاینده‌ای در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه تأثیر گذار بوده‌اند.

با شکل‌گیری نظام بین‌الملل جدید در دوره پسا جنگ سرد و با کاهش تناقضات ایدئولوژیکی میان شرق و غرب، ترکیه نیز همانند سایر بازیگران بین‌المللی در نوع

جهت‌گیری سیاست خارجی خود تجدیدنظر کرده و طراحی یک سیاست خارجی چندجانبه و چند وجهی را در دستور کار قرار داد. از این رو، معماران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی این کشور با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی، شرایط منطقه‌ای و ساختار نوین نظام بین‌الملل، در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی و در راستای تأمین منافع ملی ترکیه، به ارائه مدل جدیدی از سیاست خارجی پرداختند که همزمان با تحکیم روابط با غرب، نگاه به شرق را نیز وارد ادبیات سیاست خارجی ترکیه می‌نمود تا از این طریق حضور فعال‌تری در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشند.

نگاه چندجانبه به ایجاد روابط با کشورهای همسایه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا، باعث تنوع در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه شده است به گونه‌ای که تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی این کشور همزمان گزینه‌های مختلف سیاست خارجی را در دستور کار خود قرار داده‌اند و بر اساس شرایط بین‌المللی، موقعیت منطقه‌ای و برداشت رهبران این کشور، برای تأمین منافع ملی خود از یک گزینه به گزینه دیگر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی خود در حال حرکت بوده‌اند.

تحلیل جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه حداقل سه سؤال را در راستای سوال اصلی این پژوهش مطرح می‌سازد؛ اول، چرا حزب عدالت و توسعه علی‌رغم داشتن ریشه‌های اسلام‌گرایانه و ضد-اروپامدارانه، بعد از به دست گرفتن قدرت در سال ۲۰۰۲ به دنبال جهت‌گیری اروپایی شدن است؟ دوم این سؤال مطرح می‌شود که، چرا رهبران حزب عدالت و توسعه جهت‌گیری حفظ وضع موجود در دهه ۱۹۹۰ و سیاست‌های نظامی و تقابلی را ترک کردند و از یک جهت‌گیری دیپلماتیک و قدرت نرم پیروی نمودند؟ و در نهایت این‌که، چرا دولت حزب عدالت و توسعه بعد از سال ۲۰۰۵ علی‌رغم باز شدن درهای مذاکرات برای ورود به اتحادیه اروپا، فعالیت در منطقه را در کانون توجه خود قرار دادند؟

مطالعات و پژوهش‌های حوزه سیاست خارجی ترکیه، مدل سازی خاصی را از سیاست خارجی این کشور ارائه نداده‌اند و بیشتر در حد مطالعات و پژوهش‌های توصیفی باقی مانده‌اند. هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل تئوریک سیاست خارجی ترکیه در دوره

حکومت دولت عدالت و توسعه^۱، پاسخ به سؤالات مذکور و ساختن مدلی برای سازمان دهی اطلاعات و ادبیات فرایند تصمیم‌گیری رهبران دولت عدالت و توسعه بر اساس نظریه شهودی چندوجهی است. و در نهایت، گزینه‌های مختلف در سیاست خارجی حزب حاکم را با توجه به جنبه‌های مختلف؛ اقتصادی، سیاست داخلی، فرهنگی و ایدئولوژیک، و نظامی و استراتژیک، مورد پژوهش قرار خواهیم داد.

۱. گفتار اول: چارچوب نظری

۱-۱. تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تا جایی اهمیت دارد که نخستین رویکردها در تحلیل سیاست خارجی، به‌جای مفاهیم کلی مثل افزایش قدرت و تأمین منافع ملی، بر روند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی تأکید داشتند. آن‌ها به‌جای ارائه نظریه‌های بازیگر عام^۲ که بر دولت به‌عنوان بازیگر واحد و نظامی که در تعیین اقدام‌های خود کاملاً عقلانی و حساب‌گرایانه عمل می‌کند، بر نظریه‌های بازیگر خاص^۳ تأکید داشته و تحلیل خود را بر آن مبنا پایه‌گذاری می‌کنند. در این نگاه، انحصار بازیگری دولت در عرصه سیاست خارجی شکسته می‌شود و توجه از کلیت دولت به اجزای تشکیل‌دهنده آن معطوف می‌گردد. از منظر رویکردهای تصمیم‌گیری، منافع ملی محصول تعامل منافع متعارض و همسوی گروه‌ها، سازمان‌ها و افراد و اقشار جامعه است که در روند تصمیم‌گیری بروز یافته و به شکل تصمیم اتخاذشده جلوه‌گر می‌شوند. منافع ملی، امری ثابت و از پیش تعیین‌شده نیست. همچنین، برخلاف عقل‌گرایی کلاسیک، نظریه‌های تصمیم‌گیری بر این باورند که در تصمیم‌گیری، عوامل متعددی نقش دارند که به‌راحتی نمی‌توان آن‌ها را بر اساس محاسبه عقلانی در نظر گرفت. محاسبه‌گری متعارف نوعی ساده‌سازی امور و نادیده گرفتن تأثیرات روانی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی و انسانی در امر تصمیم‌گیری است. «انقلاب شناختی»^۴ نشان داد عقلانیت، برخلاف دیدگاه‌های سنتی، محصور است. فرایند اطلاعات اعم از جمع‌آوری، انتقال و پردازش تحت تأثیر فشارها، فرهنگ و یافته‌های ذهنی افراد

1. AdaletveKalkınmaPartisi- Justice and Development Party
2. actor – general theories
3. actor – specific theories
4. cognitive revolution

است. کارگزاران نامعلوم، بر تصمیم‌گیرندگان فشار می‌آورند و انگیزه‌های ایدئولوژیک و احساسی در تصمیم‌گیری دخیل‌اند (Hudson, 2005, p.3). با این مبانی و رویکردها بود که نظریه‌های تصمیم‌گیری درصدد برآمدند جعبه سیاه دولت را بکشایند و جزئیات رفتار دولت‌ها را نه بر اساس بروندادها، بلکه با توجه به تمرکز بر فرایند تصمیم‌گیری و عوامل مؤثر بر آن مورد ارزیابی قرار دهند.

موضوع تصمیم‌گیری ابتدا در روانشناسی، اقتصاد و مدیریت بازرگانی به کار می‌رفت و بعدها در سال ۱۹۵۴ و ۱۹۶۳ برخی همچون ساپین و اسنایدر «چهارچوب تصمیم‌گیری سیستماتیک را درواکنش نسبت به تفوق منافع ملی (مورد بحث واقع‌گرایان) بر کارگذاری انسان ارائه نمودند که عمدتاً تأکید بر روی تصمیم‌گیرندگان بود.» (قوام، ۱۳۸۸، ص ۲۳۲). اسنایدر^۱، بروک^۲، و ساپین^۳ در اثر خود به سال ۱۹۵۴، بر فرایند و ساختار گروه‌ها در تشریح سیاست خارجی تأکید کردند. در سال‌های بعد، شمار دیگری از دانشوران سیاست خارجی این شیوه را به کار گرفته و به بررسی نقش گروه‌های کوچک، سازمان‌ها و دیوان‌سالاری، در شکل‌گیری سیاست خارجی پرداختند. ایرونگ جنیس^۴، نشان داد انگیزه‌ای که منجر به حفظ اجماع و تداوم گروه می‌شود و افراد عضویت در گروه را می‌پذیرند، در چگونگی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی مؤثر است (Janis, 1971). گروه‌های گوناگون، تأثیرات متفاوتی بر تصمیم‌گیری می‌گذارند. این گروه‌ها را می‌توان از ابعاد گوناگونی چون اندازه، نقش رهبری، نزدیکی به مرکز تصمیم‌گیری، میزان استقلال، پایگاه اجتماعی و توانمندی‌های مادی و معنایی تقسیم کرد (Herman, 1978, p.69-120). در نسل دوم تحقیقات صورت گرفته در تحلیل سیاست خارجی، تمرکز بر ساختار گروه‌های مؤثر در تصمیم‌گیری و فرایند تأثیرگذاری‌شان بود و آن‌ها درصدد بودند ابعاد تئوریک الگوهای تأثیرگذار گروه‌های کوچک و بزرگ را در جهان واقعی بررسی نمایند (Anderson, 1990, p.258-308).

نکته اصلی این است که تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به تغییر و ابهام در محیط‌شان چگونه پاسخ می‌دهند؟ تحلیل‌گران برای درک واکنش تصمیم‌گیرندگان

1. Richard C. Snider
2. Henry W. Bruck
3. Burton M. Sapin
4. Irving Janis

تحلیل نوآوری‌ها و فرایند یادگیری می‌پردازند. نویسندگانی مثل بیل^۱، برسلر^۲ و تتلاک^۳، خلاقیت و یادگیری را در ارتباط نزدیک با بازنمایی در سیاست خارجی می‌بینند و به دنبال پاسخ به این موضوع مهم برمی‌آیند که چگونه هر مسئله و موضوع در سیاست خارجی، «قالب‌بندی» می‌شود. از نظر این افراد، ارزش‌ها و باورها در این قالب‌بندی نقش دارند و بیان متفاوت از یک موضوع، می‌تواند مسئله را عوض کرده و گزینه‌های متفاوتی را مطرح سازد (Breslauer and Tetlock, 1991).

رویکرد سوم در تحلیل سیاست خارجی، از سوی هارولد و مارگارت اسپراوت^۴ پرورش یافت. این رویکرد نیز به‌جای نتایج، بر روند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تأکید دارد. پاسخ به «چرایی» رفتار دولت‌ها در رویدادها، بدون تحلیل تصمیم‌گیری آن‌ها ممکن نیست. تصمیم‌گیری سیاست خارجی، از سوی افراد صورت می‌گیرد. درک تصمیم‌گیرندگان از موقعیت بین‌المللی کشورشان، رویدادها و وقایع، بیش از خود امور واقع، بر تصمیم‌گیری آن‌ها تأثیر می‌گذارد. بین محیط روانی و محیط عملیاتی، تمایز وجود دارد. تصمیم‌گیرندگان، بر اساس برداشت خود عمل می‌کنند (دوئرتی و فالتراگراف، ۱۳۷۲: ۱۲۳-۱۲۴). بنابراین، فهم برداشت تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی، می‌تواند ما را در تحلیل درست سیاست آن‌ها یاری نماید. درعین حال، ذهن تصمیم‌گیرندگان تابلو روشن و رسایی نیست. ذهن و برداشت تصمیم‌گیرندگان بسیار پیچیده و از اطلاعات و الگوهای که تحت تأثیر باورها، انگاره‌ها، ارزش‌ها، تجربه‌ها، انگیزه‌ها و مفاهیم ملی و شخصی است، انباشت شده و در وضعیت‌های مختلف، جلوه‌های گوناگونی می‌یابند (Shapir and Bonham, 1973, p.147-174). فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقتصاد، نهادهای سیاسی، ایدئولوژی و عوامل دیگر، در شکل‌گیری بافتار اجتماعی^۵ تصمیم‌گیرندگان مؤثرند. علاوه بر بافتار اجتماعی، اسپراوت‌ها بر بافتار فردی تأکید دارند که به‌صورت محیط روانی فردی تصمیم‌گیرنده عمل می‌کند. آن‌ها معتقدند این محیط، علاوه بر عوامل اجتماعی تحت تأثیر ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرندگان و رهبران است که می‌بایست برای درک آن، هر

1. Farm Bill
2. George W. Breslauer
3. Philip E. Tetlock
4. Harold and Margaret Sprout
5. social context

دو مجموعه بررسی شود.

مارگارت هرمن^۱ در بررسی چگونگی تأثیرگذاری باورها، انگیزه‌ها، سبک‌های تصمیم‌گیری، سبک‌های تعامل فردی رهبران با آنچه دولت‌هایشان در عرصه بین‌المللی انجام می‌دهند، اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی آن‌ها را در تصویری کلی قرار داده و جهت‌گیری‌های مختلف در سیاست خارجی را با توجه به این ویژگی‌ها تشریح کرد که با اتخاذ هر کدام از این جهت‌گیری‌ها می‌توان رفتار آن‌ها را در رویدادهای مختلف توضیح داد (Hermann and Hermann, 1989, p.367-368).

بخش دوم بحث محیط روانی، به روان‌شناسی اجتماعی مربوط است. در این حوزه، دانشوران تحلیل سیاست خارجی، به جای بررسی روان‌شناختی ویژگی‌های فردی نخبگان، به ارزیابی تأثیرات افکار عمومی، گروه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی بر روی سیاست خارجی دولت‌ها می‌پردازند. تأثیر عوامل فوق در جوامع مردم‌سالار، بیشتر از جوامع استبدادی است. در عین حال، افکار عمومی، رسانه‌های جمعی و گروه‌های اجتماعی، یک‌دست نیستند؛ به‌ویژه اگر روند عادی بر سیاست خارجی حاکم باشد. افکار عمومی و یا رسانه‌های جمعی، در رویدادهای بزرگ همسویی بیشتری پیدا می‌کنند (Foyle, 1997, pp. 141-169).

به‌طور کلی، ممکن است ما بین دو رهیافت کلی در نظام‌های تصمیم‌گیری سیاست خارجی تفاوت قائل شویم. رهیافت نخست، انتخاب عقلایی است و دومین روان‌شناسی معرفتی. دودسته از مدل‌های عقلایی و شناختی نمی‌توانند به‌تنهایی پدیده سیاست خارجی ترکیه و یا کشورهای دیگر را توضیح دهند. اگر با دقت نگاه کنیم متوجه می‌شویم که تصمیم‌گیران تلفیقی از استراتژی‌های متعدد را برای تصمیم‌گیری اتخاذ می‌نمایند. و در طول تصمیم‌گیری از یک روش به روش دیگر حرکت می‌نمایند. بنابراین، برای درک و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ضرورت بهره‌گیری از نظریه‌ای که بتواند رویکردهای مختلف تصمیم‌گیری را به هم پیوند دهد، آشکار می‌گردد. نظریه شهودی چندوجهی با در نظر گرفتن مؤلفه‌های دو رهیافت مذکور، به چنین ضرورتی پاسخ می‌دهد.^۲

1. Margaret Hermann

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد مدل‌های جدید تصمیم‌گیری در سیاست خارجی به آدرس مقابل مراجعه شود: ملکی، عباس، بکارگیری مدل‌های جدید در سیاست خارجی: <http://sharif.edu/maleki/index/> NewModelsForeignpolicy.doc

۱-۲. نظریه شهودی چندوجهی: پیوند میان رویکردهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی

واژه (Poliheuristic) به معنای چندراه میانبر است که مکانیسم‌های معرفتی در اختیار تصمیم‌گیران برای ساده نمودن تصمیم‌های پیچیده در سیاست خارجی قرار می‌دهد (Mintz, 1997, p.554). منطق اصلی در تئوری شهودی چندوجهی این است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی از استراتژی‌های متعدد تصمیم‌گیری از جمله استراتژی‌های بهینه (و نه همیشه بهینه) در زمان تصمیم‌گیری استفاده می‌نمایند (Bettman & Johnson, 1993). تئوری شهودی چندوجهی ادعا می‌نماید که سیاست‌گذاران در فرایند اتخاذ تصمیم‌های خود، پروسه‌ای دومرحله‌ای بکار می‌برند: بررسی مقدماتی میان راه‌حل‌های در دسترس و انتخاب بهترین راه‌حل از میان فهرست گزینه‌های مرحله اول در جهت کمینه نمودن ریسک و بیشینه نمودن سود.

در مرحله اول، بررسی نه‌چندان کامل از راه‌حل‌ها، ما را به فهرستی از راه‌حل‌های باقی‌مانده^۱ می‌رساند که لزوماً به معنای بررسی و تحلیل تمامی گزینه‌ها از همه ابعاد نیست (Mintz, 1993, pp.595-618). در اغلب موارد، تصمیمات سیاست خارجی بر مبنای توافق و یا رد راه‌حلی بر اساس یک یا معدود معیارهایی است. مرحله دوم شامل دخالت دادن قاعده تصمیم برای انتخاب یک راه‌حل از میان فهرست راه‌حل‌های باقی‌مانده است. بنابراین طبیعی است که در طول این فرآیند، تصمیم‌گیران استراتژی خود را به صورت مداوم تغییر داده و یا از تلفیقی از استراتژی‌های تصمیم‌گیری استفاده نمایند. نکته اینجاست که در طول پروسه تصمیم‌گیری روش‌ها و قواعد نیز ثابت نبوده و بسته به عوامل دخیل، میدان تصمیم، اهداف تصمیم‌گیر و دیگر قیود تغییر می‌نمایند (Mintz, 1997, p.555). در حالی که، در بخش‌های پیشین به روش‌ها، الگوها و مدل‌های متعدد در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی اشاره نمودیم، به نظر می‌رسد که می‌توان تمامی آنان را در دو مکتب فکری متمایز جای داد: روش‌های مبتنی بر رهیافت انتخاب عقلایی و روش‌های مبتنی بر رهیافت روانشناسی معرفت‌شناختی و جامعه‌شناختی. تئوری تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی^۲ تلفیقی از عناصر دو مکتب فکری فوق را در پیوند با یکدیگر در نظر دارد (Mintz, 2002, p.3).

1. Survival
2. The Poliheuristic Decision Making Theory

بر اساس نظریه شهودی چندوجهی، رهبران تصمیمات سیاست خارجی خود را در فرایند دو مرحله انجام می‌دهند. مرحله اول از نظریه شهودی چندوجهی شامل یک واریسی غیر جبرانی^۱ است. وقتی تصمیم‌گیرندگان در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تحت موقعیت پیچیده و نامطمئن با مجموعه‌ای از گزینه‌ها مواجه می‌شوند، برای ساده‌سازی موقعیت از میانبرهای شناختی^۲ بهره می‌گیرند. در این شرایط تصمیم‌گیرندگان به حذف گزینه‌هایی که با برداشتها و انتظارات آنها همخوانی ندارد، تمایل پیدا می‌کنند. بر اساس استراتژی غیر جبرانی، در شرایط انتخاب، اگر یکی از گزینه‌های موردنظر نتواند در ابعاد (اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی) در نظر گرفته شده پذیرفتنی باشد، اولویت به گزینه‌ای داده می‌شود که بیشترین نفع را داشته باشد و در این حالت مزایای گزینه حذف شده نمی‌تواند جبران شود. پذیرفتنی یا نپذیرفتنی بودن گزینه‌های سیاسی در فرایند تصمیم‌گیری، به قوانین حاکم در تصمیم‌گیری رهبران بستگی دارد (Mintz and Geva, 1997, pp. 242-284). بر اساس این نظریه، تصمیم‌گیرنده به جای توجه به جزئیات و مقایسه‌های پیچیده از تمامی ابعاد هر یک از گزینه‌ها، گزینه‌ای را حذف می‌کند که در ابعاد اساسی، ارزش مورد انتظار را نمی‌تواند تأمین کند.

در مرحله دوم، تصمیم‌گیرنده بعد از حذف برخی از گزینه‌های سیاست خارجی، شروع به «فرایند تحلیلی^۳» می‌کند. به‌طور کلی، بررسی گزینه‌ها در مرحله دوم با استفاده از مدل بازیگر عقلانی انجام می‌گیرد. همچنان که آلکس مینتز متذکر می‌شود؛ درحالی‌که، مدل شهودی شناختی در مرحله اول بسیار مهم است، محاسبات انتخاب عقلانی در مرحله دوم از فرایند تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی بسیار تعیین‌کننده است (Mintz, 2004, pp. 3-13). نظریه شهودی چندوجهی یک مجموعه منحصر به فرد از اصولی را ارائه می‌دهد که می‌تواند فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی رهبران را تحلیل نماید. این نظریه تقریباً می‌تواند همه تصمیمات سیاست خارجی را از جمله: تصمیمات امنیت ملی، تصمیمات اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تصمیمات نظامی و امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، و از طرف دیگر تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی که به ابعاد امنیتی، اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی حوزه داخلی مربوط می‌شود را در برمی‌گیرد (Astorino,

1.. non- compensatory search
2. cognitive-shortcuts
3..analytical processing

مدل تصمیم‌گیری شهودی چندی وجهی به دلیل اینکه می‌تواند متغیرهای داخلی و بین‌المللی را به‌طور همزمان در نظر بگیرد، برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه انتخاب‌شده است. متغیرهای داخلی (مثل شرایط اقتصادی و سیاسی، نتایج انتخاباتی، و پیشینه سیاسی رهبران)، دیدگاه سیاست خارجی رهبران (استراتژی‌های اساسی رهبران برای رسیدن به موقعیت قدرت مرکزی برای ترکیه در منطقه) و متغیرهای بین‌المللی (چون نقش اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا). پیشینه نظریات مربوط به مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تسلط مدل بازیگر عقلانی و رویکرد شناختی را نشان می‌دهد. درحالی‌که، رویکردهای شناختی بر روی تأثیر ارزش‌ها و اعتقادات در فرایند تصمیم‌گیری تأکید می‌کند، مدل بازیگر عقلانی نیز بر روی ترجیحات و خروجی‌ها تمرکز نموده است. بنابراین در تحلیل‌ها و مطالعات سیاست خارجی هیچ‌گونه سازگاری و پیوندی میان دو رویکرد مذکور وجود ندارد که بدون توجه به عناصر هر یک از آن‌ها، تحلیل‌های ما ناقص خواهد بود.

۲. گفتار دوم: مدل‌سازی و تحلیل تئوریک سیاست خارجی ترکیه ۲-۱. جهت‌گیری سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه

تغییرات نظامند (پایان جنگ سرد)، بحران‌های اقتصادی و سیاسی داخلی همراه با توسعه ناموزون در منطقه بالکان و خاورمیانه تأثیر مهمی بر سیاست خارجی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ داشت. در این دهه، ترکیه به‌طور فزاینده‌ای در مناسبات منطقه‌ای درگیر می‌شد و از جهت‌گیری غرب‌گرایانه صرف، حرکتی را به سمت سیاست خارجی چندجانبه شروع کرده بود. در این دوره، ترکیه به‌عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای با فرصت‌هایی که بعد از پایان جنگ سرد به دست آورده بود، شروع به تعریف منافع ملی خود در منطقه کرد (Larrabee and Lesser, 2003, pp. 117-142). سیاست خارجی ترکیه در این دوره از جهت‌گیری و سیاست‌های تقابلی پیروی می‌کرد و از ابزارهای تقابلی در عراق علیه پ.ک.ک، علیه سوریه (با افزایش نیروهای نظامی در مرزهای بین دو کشور)، و علیه یونان به‌ویژه در مسئله قبرس استفاده می‌کرد. دلیل اصلی تسلط گفتمان ژئواستراتژیک و استفاده از ابزارهای تقابلی، افزایش نقش نظامیان و شورای امنیت ملی در فرایند

تصمیم‌گیری سیاست خارجی ترکیه بود (Onis,2003, pp. 42-87).

با پیروزی حزب عدالت و توسعه بعد از انتخابات ۲۰۰۲، و تأسیس حکومت تک حزبی، ترکیه سیاست خارجی فعال خود را شروع کرد که در دهه‌های گذشته سابقه نداشت. برخلاف سیاست خارجی سخت و تقابلی دهه ۱۹۹۰، حزب عدالت و توسعه از یک سیاست خارجی نرم و دیپلماتیک بهره جست. بر اساس ادبیات سیاست خارجی ترکیه، سه دلیل اصلی برای این تغییر وجود دارد: عامل اول به نقش ایالات متحده آمریکا در نظام بین‌المللی برمی‌گردد، عامل دوم، نقشی است که حکومت حزب عدالت و توسعه و سیاست‌های داخلی بازی می‌کند، و عامل سوم، نقش اتحادیه اروپا و چشم‌اندازهای عضویت ترکیه در این اتحادیه است. یکی از مؤلفه‌های اساسی در فعال شدن سیاست خارجی ترکیه به نشست هلسینکی (۱۹۹۹) برای کاندیدا شدن ترکیه برمی‌گردد که دولت ترکیه را برای ورود به فرایند اروپایی شدن و شرکت فعال در منطقه تشویق می‌کرد (Danish Institute,2009,p.5).

اونیش و یلماز^۱، سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد را به سه دوره تقسیم‌بندی می‌کنند؛ موج اول فعالیت‌های سیاست خارجی بلافاصله بعد از پایان جنگ سرد در دهه ۱۹۹۰ شروع شد، موج جدید و دوم از فعالیت‌های سیاست خارجی بعد از انتخابات ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه با تأکید فزاینده‌ای بر اروپایی شدن به وجود آمد (۲۰۰۲-۲۰۰۵)، و موج اخیر نیز با تنش میان اروپایی و اوراسیایی شدن شکل گرفت (بعد از ۲۰۰۵). چشم‌انداز عضویت کامل در اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۵ تأثیر بسزایی در فعالیت‌های و عملکرد سیاست خارجی ترکیه داشته است. اگرچه پیشینه اسلامی حزب عدالت و توسعه نگرانی‌هایی را در بین حامیان اروپایی شدن در ترکیه به وجود آورد، اما سال‌های اولیه کارگزاری حزب حاکم وقتی که فرایند دمکراتیزه شدن و اصلاحات اقتصادی را تسریع نمود، به عصر طلایی اروپایی شدن تبدیل گردید. حتی می‌توان گفت که فعالیت‌های دولت عدالت و توسعه برای تبدیل شدن به بازیگر مهم در منطقه نیز در سایه جلب توجه کشورهای اتحادیه اروپا برای عضویت در این اتحادیه بوده است (Onis and Yilmaz,2005,pp.265-48).

بعد از سال ۲۰۰۵، با وجود اینکه اتحادیه اروپا به‌طور رسمی درهای مذاکره را برای

عضویت کامل ترکیه باز کرده بود، اما شاهد کاهش اشتیاق این کشور در ورود به این اتحادیه و افزایش فعالیت‌های آن‌ها در مناسبات منطقه‌ای هستیم (چگینی زاده و خوش اندام، ۱۳۸۹، صص ۲۲۰-۱۸۹)، به گونه‌ای که حزب عدالت و توسعه در ارائه اولویت‌های سیاست خارجی خود، تمرکز اصلی را بیشتر بر روی کشورهای همسایه و منطقه داشته است. بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقاد هستند که، علت اصلی بی میلی ترکیه به عضویت در اتحادیه اروپا انتقادات و ممانعت‌هایی است که کشورهای عضو نسبت به ترکیه اعمال کرده‌اند. بنابراین ترکیه بعد از ۲۰۰۵ توجه اصلی خود را نسبت به منطقه مبذول داشته و از ورود به اتحادیه اروپا منصرف شده است (Onis, 2009, pp. 7-24).

۲-۲. مدل سازی تصمیم‌گیری سیاست خارجی ترکیه

جهت‌گیری‌های جدید سیاست خارجی ترکیه برخلاف سیاست خارجی دهه ۱۹۹۰، تحت تأثیر متغیرهای داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. بهره‌گیری از مدل نظریه شهودی چندوجهی فضایی را برای پیوند این متغیرها در قالب یک روش سازمان یافته و سامانمند به وجود می‌آورد. اگرچه پاسخ به سؤالات اصلی پژوهش با توجه به مطالعه ادبیات سیاست خارجی ترکیه کار سختی نیست اما مدل شهودی چندوجهی می‌تواند برای نشان دادن دینامیک‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه به‌طور محسوس و سازمان یافته، مفید باشد. برای تجزیه تحلیل فرایند تصمیم‌گیری کارگزاران دستگاه دیپلماسی ترکیه، ماتریس تصمیم‌گیری نخبگان دولت عدالت و توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲-۱. ماتریس تصمیم‌گیری دولت عدالت و توسعه

به‌منظور ساخت ماتریس تصمیم‌گیری، ابتدا گزینه‌های سیاست خارجی مورد شناسایی قرار می‌گیرد. گزینه‌های سیاست خارجی مجموعه‌ای از گزینه‌های در دسترس برای تصمیم‌گیران هستند که قبل از تصمیم‌گیری در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. در متن سیاست خارجی ترکیه این گزینه‌ها در سخنرانی‌ها و ادبیات داود اوغلو، رجب طیب اردوغان و عبدالله گل قابل‌شناسایی می‌باشند.

احمد داود اوغلو، معمار اصلی سیاست خارجی ترکیه در کتاب خود، "عمق

استراتژیک"۱ دیدگاه‌های سیاست خارجی را به‌طور جزئی مورد بررسی قرار می‌دهد. بین دیدگاه احمد داود اوغلو و سخنرانی‌های اردوغان و گل یک همسانی و موازات خاصی وجود دارد و بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های داود اوغلو به‌عنوان تئوریسین اصلی حزب، تحلیل جهت‌گیری‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ناقص خواهد بود. بر اساس مدل شهودی چندوجهی، استخراج گزینه‌های سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه از دیدگاه‌ها و برداشت‌های داود اوغلو می‌تواند برای تحلیل سیاست خارجی ترکیه بسیار مفید باشد.

بر اساس دیدگاه داود اوغلو، بعد از فروپاشی شوروی و دوره بعد از جنگ سرد دنیا وارد یک جهت‌گیری چندجانبه و منعطف شده است که سیاست‌های نظامی و تقابلی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ نمی‌تواند منافع ملی را تأمین نماید. بنابراین در چنین شرایطی ترکیه نیازمند یک سیاست خارجی فعال، منعطف، و دیپلماتیک است تا بتواند جایگاه استراتژیک خود را به دست آورد. ترکیه باید به‌طور فعال در همکاری‌ها و اتحادیه‌های چندجانبه منطقه‌ای مثل، ECO (سازمان همکاری اقتصادی)، BSEC (سازمان همکاری اقتصادی دریای سیاه)، OIC (سازمان کنفرانس اسلامی)، و DA (کشورهای در حال توسعه ۸)، مشارکت کند. ساختار اقتصادی و سیاسی آشفته داخلی همراه با تأکید بر مناسبات امنیتی و تمامیت ارضی در اجرای سیاست خارجی، تأثیر منفی در روابط با همسایگان در منطقه داشته است (Davutoglu, 2004, pp. 141-169).

داود اوغلو معتقد است که در دهه ۱۹۹۰، اگرچه ترکیه مشارکت فعال با همسایگان در منطقه را جز اولویت‌های خود داشت، اما با مشکل اعتبار مواجه بود. تأکید صرف بر ایجاد رابطه با اتحادیه اروپا و ایالات متحده در این دوره نیز نمی‌تواند منافع ملی ترکیه را تأمین کند و دو تأثیر منفی را در بر خواهد داشت؛ این سیاست از یک طرف موجب کاهش اعتبار ترکیه در جهان اسلام می‌شود و از طرف دیگر تأثیر مطلوبی در ایجاد رابطه با قدرت‌های دیگر نخواهد داشت. وی اشاره می‌کند که ترکیه علی‌رغم ایجاد رابطه متقابل

1. Strategic Depth
2. Economic Cooperation Organization
3. Organization of the Black Sea Economic Cooperation
4. Organisation of Islamic Cooperation
5. Developing-8

با کشورهای غربی، باید با کشورهای منطقه‌ای نیز به‌طور مستقل همکاری داشته باشد. عمق استراتژیک ترکیه زمانی قابل فهم خواهد بود که به اهمیت مؤلفه‌های ژئوکالچر، ژئوپلتیک و ژئواکونومیک سیاست خارجی ترکیه پی ببریم. ترکیه به لحاظ تاریخی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و فرهنگ، زیربنای قدرتمندی دارد که می‌تواند قدرت بالقوه خود را عملیاتی کند. معمار سیاست خارجی ترکیه، برای به حداکثر رساندن پرستیژ و اعتبار ترکیه در بین کشورهای منطقه و به دست آوردن نقش مرکزی در حوزه بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه، یک سیاست خارجی فعال و چندوجهی را ارائه می‌کند (Davutoglu, 2010, June 17).

دیدگاه‌های مشابهی در سخنرانی‌های عبدالله گل و رجب طیب اردوغان نیز وجود دارد. اردوغان ترکیه را به‌عنوان مرکز اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در منطقه معرفی می‌کند و معتقد است که از ظرفیت‌های بالقوه این کشور در ادوار گذشته به‌طور مفیدی استفاده نشده است. وی بر این باور است که دارایی‌های تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی ترکیه نیازمند یک سیاست خارجی چندبعدی و فعال است. بنابراین درحالی‌که ترکیه روابط خود را با اتحادیه اروپا و آمریکا حفظ می‌کند، باید منطقه و کشورهای همسایه را نیز در کانون توجه خود قرار دهد (Erdogan, 2002, September 4th).

عبدالله گل، وزیر امور خارجه و رئیس‌جمهور سابق، جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه را دفاع-محور، و واکنشی قلمداد می‌کند و از طرف دیگر سیاست خارجی این حزب را سیاست کنش، قدرت نرم - محور و حلال مشکل مفهوم‌سازی می‌کند. وی اذعان دارد که ترکیه به روابط خود با کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا متعهد است اما از سوی دیگر مسئولیتی سنگین در ایجاد ثبات و "آینده خوب"^۱ در خاورمیانه دارد. ترکیه پلی است میان غرب و شرق که از اعمال تبعیضات علیه مسلمانان در غرب جلوگیری می‌کند. درنهایت گل بر یک سیاست خارجی فعال، چندجانبه و مشکل صفر با همسایگان را مطرح می‌کند که بهتر از جهت‌گیری‌های گذشته می‌تواند منافع ملی، امنیت ملی و اعتبار بین‌المللی ترکیه را تأمین نماید (Gul, 2007, October 11).

۲-۳. گزینه‌های سیاست خارجی و جنبه‌های سودمندی

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی مطرح شد، سیاست خارجی ترکیه به سه دوره تقسیم می‌شود؛ دوره قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه (دهه ۱۹۹۰)، دوره سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه با تأکید بر جهت‌گیری اروپایی شدن (۲۰۰۲-۲۰۰۵)، و دوره سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه با تأکید بر نقش و فعالیت‌های مستقل منطقه‌ای (دوره بعد از ۲۰۰۵). این دوره‌ها می‌توانند به‌عنوان گزینه‌های سیاست خارجی که رهبران با آن‌ها مواجه‌اند، مفهوم‌سازی شوند.

اولین گزینه سیاست خارجی (A1) برای حزب عدالت و توسعه، پیروی از جهت‌گیری دهه ۱۹۹۰ یعنی "حفظ وضع موجود"^۱ بدون تغییر در جهت‌گیری سیاست خارجی کشور است. این گزینه مؤلفه‌های زیر را در برمی‌گیرد؛ ۱. تأکید بر روابط ترکیه با غرب، ۲. سیاست خارجی فعال در منطقه به‌منظور کاهش اهمیت استراتژیک ترکیه بعد از جنگ سرد، ۳. سیاست خارجی تقابلی با تأکید صرف بر قدرت نظامی و امنیتی به‌جای برقراری روابط دوستانه با همسایگان.

گزینه سیاست خارجی دوم برای سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه (A2)، پیروی از یک جهت‌گیری جدیدی است که درجه‌ای از همگرایی و واگرایی دوره گذشته را در برمی‌گیرد. این نوع جهت‌گیری می‌تواند به‌عنوان سیاست خارجی جدید A(NFP-A)-، که دربرگیرنده مؤلفه‌های زیر است، مفهوم‌سازی شود: ۱. تأکید صرف به عضویت در اتحادیه اروپا، ۲. تأکید بر نقش مؤثر ترکیه در منطقه و نقشی که به‌عنوان پلی میان غرب و شرق دارد، ۳. یک سیاست خارجی غیر تقابلی با تأکید بر روابط دوستانه با کشورهای منطقه و بهبود روابط بین‌المللی ترکیه.

گزینه سوم سیاست خارجی ترکیه (A3)، یک تفاوت سطحی و جزئی با عناصر گزینه دوم دارد که جهت‌گیری دولت عدالت و توسعه بعد از سال ۲۰۰۵ را نمایان می‌سازد. این گزینه می‌تواند به‌عنوان سیاست خارجی جدید B(NFP-B)- در نظر گرفته شود که حاوی عناصر زیر است: ۱. فعالیت‌های منطقه‌ای بدون تأکید خاص بر عضویت در اتحادیه اروپا، ۲. تأکید بر تبدیل شدن ترکیه به یک کشور مرکزی و قدرت منطقه‌ای، ۳. جهت‌گیری سیاست خارجی غیر تقابلی با تأکید بر قدرت نرم و روابط دوستانه با همسایگان.

چهارمین گزینه سیاست خارجی (A4) با توجه به پیشینه سیاسی حزب عدالت و توسعه مشخص می‌شود. بسیاری از اعضای این حزب مثل اردوغان، و عبدالله گل در گذشته از اعضای اصلی حزب اسلام‌گرای فضیلت بودند. دیدگاه‌های ضد غربی و ضد اروپایی از مشخصات اصلی حزب فضیلت بوده است و بعدازآن نیز حزب رفاه تشکیل شد که به دنبال اتحاد کشورهای مسلمان و جهان عرب بود. به همین دلایل این گزینه دربرگیرنده عناصر زیر است: ۱. تأکید بر فعالیت‌های منطقه‌ای باهدف اتحاد با کشورهای عربی و مسلمان، ۲. جهت‌گیری‌های ضد غربی و ضد اروپایی، ۳. تأکید بر نقش اساسی ترکیه در میان کشورهای اسلامی.

هریک از گزینه‌های سیاست خارجی برای خود جنبه‌هایی (سیاست داخلی، اقتصادی، نظامی و استراتژیک، و فرهنگی و ایدئولوژیک) نیز دارند که تصمیم‌گیران با توجه به اولویت‌بندی که از جنبه‌های مختلف در سیاست خارجی خوددارند، از بین گزینه‌های گوناگون، گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که بیشترین سودمندی را در جنبه موردنظر داشته باشد. در این بخش به "جنبه‌های سودمندی"^۱ هر یک از گزینه‌های سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه می‌پردازیم.

۱-۳-۲. جنبه‌های سیاست داخلی

قوانین حاکم در تصمیم‌گیری سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه زمینه‌ای را فراهم می‌سازد تا تصمیم‌گیران با استفاده از میانبرهای شناختی بتوانند بر اساس بعد سیاست داخلی، برخی از گزینه‌ها را حذف کنند (Brule, 2005, pp.99-113). حزب عدالت و توسعه با پیشینه اسلام‌گرایانه خود در یک جامعه سکولار قدرت را به دست گرفته است که با توجه به این مسئله، کسب مشروعیت سیاسی از محیط سکولار به تلاش‌های این حزب در اقناع جامعه داخلی بستگی دارد. بنابراین آن دسته از گزینه‌های که نتواند رضایت جامعه مدنی را به دست آورد، در همان مرحله اول نظریه تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی حذف خواهد شد. رهبران حزب عدالت و توسعه به این واقعیت رسیده‌اند که تأکید بر گفتمان اسلام سیاسی باید متعادل شود. اردوغان بعد از به قدرت رسیدن خود بلافاصله حزب خود را متفاوت از حزب اسلام‌گرای رادیکال فضیلت خواند و بر تغییر و توسعه در گفتمان اسلام

سیاسی حزب عدالت و توسعه تأکید کرد (Radikal, 2003, pp. 13-125).

تأکید بر عضویت و روابط ترکیه با اتحادیه اروپا می‌تواند برای رهبران حزب عدالت و توسعه منبع مشروعیت باشد. در این حالت، ارجاع به فرایند دموکراتیزاسیون، حقوق بشر و اصلاحات قانون اساسی که از طرف اتحادیه اروپا برای ترکیه مطرح شده، می‌تواند سپر محافظی در برابر فعالیت‌های سیاسی داخلی برای رهبران حزب عدالت و توسعه باشد. حتی آن‌ها با این جهت‌گیری می‌توانند جامعه داخلی را قانع کنند که سیاست‌های ضد غربی و ضد اروپایی در دستور کار آن‌ها قرار ندارد.

حزب عدالت و توسعه در حالی وارد انتخابات ۲۰۰۲ شد که کشور با یک آشفتگی سیاسی و اقتصادی مواجه بود. در واقع می‌توان گفت که انتخابات ۲۰۰۲ نسبت به انتخابات گذشته منحصر به فرد بود زیرا در انتخابات گذشته (۱۹۹۶ و ۱۹۹۹)، مباحث اصلی حول محور ماهیت سکولار دولت، جدایی کردها و تهدید اسلام می‌چرخید در حالی که در این دوره بحران‌های اقتصادی، دولت کارآمد، مسئولیت‌پذیری، رفاه اجتماعی در کانون توجه مبارزات انتخاباتی قرار داشت. مبارزات انتخاباتی و رقابت‌های حزبی باعث می‌شود تا حزب عدالت و توسعه بتواند اولویت‌های سیاست خارجی خود را در داخل با مردم در میان بگذارد، آن‌ها را نسبت به تصمیمات خود اقناع کند و از این طریق برای انتخابات آتی نیز مشروعیت زایی نماید (Onis, 2003, pp. 44-217). برای حزب عدالت و توسعه ترتیب ترجیحات جنبه‌های سیاست داخلی در قالب گزینه‌ها می‌تواند به صورت زیر بیان شود:

$$A2 > A1 > A3 > A4$$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲-۳-۲. جنبه‌های استراتژیک و نظامی

رفتار نظامی در جهت‌گیری سیاست خارجی بر اساس خطر بالقوه درگیری قابل فهم است. گزینه‌های نظامی به دلیل اینکه هزینه‌های بالایی را سبب می‌شود، در جنبه‌های سودمندی جهت‌گیری سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در اولویت‌های آخر قرار می‌گیرد. سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران سیاست خارجی، اعمال استراتژیک سیاست خارجی خود را بر اساس "استراتژی بزرگ" خود پی‌ریزی می‌کنند. بهره‌مندی و به کارگیری استراتژی بزرگ نیازمند بسیج همه منابع در دسترس برای رسیدن به اهداف مورد نظر است.

در این جنبه از سیاست خارجی، داود اوغلو و گل هر دو به عمق استراتژیک ترکیه اشاره می‌کنند و هدف آن را افزایش پرستیژ و اعتبار بین‌المللی و منطقه‌ای ترکیه قلمداد می‌کنند که این امر نیز نیازمند استقلال عمل در جهت‌گیری سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه است تا بتواند از تمامی منابع در دسترس خود برای به حداکثر رساندن امنیت ملی استفاده کند. علاوه بر این سیاستمداران حزب عدالت و توسعه نقش صلح‌گرایی، حلال مشکل و ثبات-محور را برای ترکیه قائل هستند. بنابراین استراتژی بزرگ ترکیه به دست آوردن موقعیت قدرت مرکزی در منطقه است که در نهایت می‌تواند باعث یک جهت‌گیری صلح‌آمیز، قابل اطمینان و مستقل در سیاست خارجی شود (Gray, 2007, pp. 342-375).

باوجود اینکه جنبه‌های نظامی و استراتژیک در دوره اول سیاست خارجی ترکیه بعد از جنگ سرد بسیار برجسته بود اما در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه بیشتر شاهد پررنگ شدن جنبه‌های سیاست داخلی و اقتصادی هستیم بنابراین تصمیم‌گیران سیاست خارجی در گزینش گزینه‌های خود، بیشتر بر قدرت نرم توجه دارند و جنبه‌های نظامی در اولویت‌بندی‌های این حزب نسبت به جنبه‌های دیگر در اولویت‌های پایین قرار می‌گیرد. ترکیه عضو ناتو است و شریک استراتژیک اروپا و آمریکا است به همین دلیل نگرانی‌های امنیتی در منطقه نسبت به تمامیت ارضی و امنیت ملی خود احساس نمی‌کند و اعمال سیاست‌های نظامی آن‌ها در منطقه به‌خصوص استقرار موشک‌های پاتریوت ناتو در مرز بین ایران و ترکیه بیشتر تحت فشار کشورهای عضو ناتو است. ترتیب ترجیحات جنبه‌های نظامی و استراتژیک حزب عدالت و توسعه در قالب گزینه‌های مشخص شده می‌تواند به‌صورت زیر باشد:

$$A3 > A2 > A4 > A1$$

۳-۲. جنبه‌های اقتصادی

در رابطه با ابعاد اقتصادی ذکر این نکته بسیار مهم است که جنبه‌های اقتصادی، متغیرهای اقتصاد داخلی را در برنمی‌گیرد چون اقتصاد داخلی جز جنبه‌های سیاست داخلی در نظر گرفته شده است. این جنبه از سیاست خارجی بر روی جهت‌گیری‌های اقتصاد جهانی ترکیه همچون افزایش تجارت، یافتن بازارهای صادراتی جدید، جذب سرمایه‌گذاری‌های

خارجی، مسیرهای انرژی و توریسم تمرکز دارد.

مطالعه سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بدون توجه به بنیادها و جنبه‌های اقتصادی ترکیه در دوران بعد از جنگ سرد نمی‌تواند تحلیل معتبری در اختیار ما قرار دهد. بسیاری از تحلیلگران جهت‌گیری سیاست خارجی حزب حاکم در خاورمیانه، تحولات موسوم به بهار عربی، همسایگان و اتحادیه اروپا را متأثر از متغیرهای اقتصادی و تجاری می‌دانند. داود اوغلو بر اهمیت ژئواکونومیک خاورمیانه و اوراسیا به‌عنوان مناطق و منابع مهم اقتصادی جهان تأکید دارد. یکی از دلایل اصلی فعال شدن و چندجانبه شدن جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه در هزاره جدید، همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه است (Davutoglu, 2010, pp. 137-294). اردوغان و گل نیز افزایش پرستیژ بین‌المللی و اعتبار منطقه‌ای ترکیه را در بهره‌گیری از سیاست‌های اقتصادی و تجاری موفق می‌دانند (Erdogan, 2003, January 28th).

تصمیم‌گیران سیاست خارجی ترکیه به دنبال افزایش همکاری‌های اقتصادی و تجاری ترکیه با کشورهای همسایه، خاورمیانه و حوزه بالکان بدون از دست دادن بازارهای صادراتی خود در کشورهای اتحادیه اروپا هستند. مطالعه آمار سیاست‌های اقتصادی و تجاری ترکیه بعد از سال ۲۰۰۵ و جهت‌گیری جدید سیاست خارجی آن‌ها نشان می‌دهد که یک استقلال عمل از محور غربی در روابط اقتصادی خود به دست آورده‌اند. بیش از ۵۰ درصد از صادرات و واردات کشور ترکیه قبل از سال ۲۰۰۵ با کشورهای اتحادیه اروپا بوده که در سال‌های اخیر این حجم از مبادلات اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه انجام گرفته است و سیاست‌های جدید اقتصادی حزب حاکم به‌نوعی باعث یک جهت‌گیری چندجانبه در روابط بین‌الملل ترکیه شده است (Danish Institute, Report 2009: 05).

بهبود روابط اقتصادی ترکیه با کشورهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا باعث افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صنعت توریسم در این کشور شده است. در کنار این، داشتن روابط صلح‌آمیز و مثبت با کشورهای منطقه موجب افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه شده است. اگر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در تحولات بهار عربی، ایران، اسرائیل و کشورهای همسایه را در قالب جنبه‌های اقتصادی موردپژوهش قرار دهیم می‌توانیم به ناهمگونی در رویکردهای سیاست خارجی آن‌ها پی ببریم. ترتیب ترجیحات جنبه‌های اقتصادی در قالب

گزینه‌های مطرح‌شده می‌تواند به‌صورت مقابل در نظر گرفته شود و بسیاری از تحلیل‌های این نوشتار بر این جنبه تأکید دارد:

$$A3 > A2 > A1 > A4$$

۴-۳-۲. جنبه‌های ایدئولوژیک و فرهنگی

پژوهشگران حوزه سیاست خارجی ترکیه به دلیل قوانین حاکم بر سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، بیشتر بر روی جنبه‌های سیاست داخلی، اقتصادی و نظامی و استراتژیک تأکید کرده‌اند و ابعاد فرهنگی و ایدئولوژیک به‌نوعی مورد توجه قرار نگرفته است. اما با وجود این، بر اساس نظریه شهودی چندوجهی، تحلیل سیاست خارجی ترکیه در دوران حکومت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه بدون در نظر گرفتن محاسبات ایدئولوژیکی و فرهنگی رهبران این حزب نمی‌تواند تبیین همه‌جانبه‌ای در اختیار ما قرار دهد. ترکیه به‌عنوان پلی میان تمدن‌های مختلف، ترکیه به‌عنوان جاده تقاطع فرهنگ‌های مختلف، پیشینه عثمان‌گرایی ترکیه و نقش اسلام در روابط بین‌الملل ترکیه تنها در قالب جنبه‌های ایدئولوژیکی قابل فهم است.

اردوغان، گل و داود اوغلو به‌طور ویژه‌ای به نقش و پیشینه فرهنگی و ایدئولوژیکی ترکیه در منطقه تأکید دارند و معتقد هستند که ترکیه به لحاظ تاریخی و ژئوکالچر، در مرکز دنیا قرار گرفته است (Davutoglu, 2010, pp. 137-294). رهبران حزب عدالت و توسعه در بسیاری از سخنرانی‌های خود از «استعاره پل^۱» برای تشریح جنبه‌های ایدئولوژیکی خود به‌عنوان پلی میان شرق و غرب استفاده می‌کنند. توجه به ابعاد فرهنگی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه باعث شده است بسیاری از تحلیلگران همچون مورینسون^۲، رفتار سیاست خارجی جدید ترکیه را در قالب رویکرد «عثمان‌گرایی جدید»^۳ مورد مطالعه قرار دهند. عثمان‌گرایی جدید می‌تواند به‌عنوان یک گفتمانی در نظر گرفته شود که به گذشته امپراتوری عثمانی و ترکیب آن با ویژگی‌های جغرافیایی برای فعال شدن سیاست خارجی ترکیه در منطقه، تأکید دارد (Murinson, 2006, pp. 42-175). اگر بخواهیم جنبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی سیاست خارجی حزب

1. bridge metaphor
2. Murinson
3. Neo-Ottomanism

عدالت و توسعه را در قالب گزینه‌های تعیین‌شده بیان کنیم، به‌صورت زیر قابل نمایش است:

$$A2 > A3 > A4 > A1$$

جدول زیر خلاصه‌ای از مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی را در سیاست خارجی دوره حکومت دولت عدالت و توسعه را نشان می‌دهد. ستون اول خلاصه‌ای از گزینه‌های سیاست خارجی این دولت را در نظر دارد، ستون دوم، جنبه‌های سودمندی را لیست می‌کند و ستون سوم رتبه‌بندی هر یک از گزینه‌ها در جنبه‌های سیاست خارجی ترکیه را نشان می‌دهد. سیاست‌هایی که در بالاترین ترتیب ترجیحات سیاست خارجی هستند، ۴ واحد سودمندی و سیاست‌های که در پایین‌ترین درجه هستند ۱ واحد سودمندی را برای تصمیم‌گیران سیاست خارجی نشان می‌دهند. جنبه سیاست داخلی (D1) در گزینه دوم سیاست خارجی NFP-A (A2) در بالاترین ترتیب ترجیحات قرار دارد. اگر حزب حاکم جنبه‌های سیاست داخلی را در اولویت خود داشته باشد، باید از گزینه دوم استفاده کند و نسبت به گزینه‌های دیگر باید چنین ترتیبی را موردنظر داشته باشد:

$$A2=4 > A1=3 > A3=2 > A4=1$$

اگر تصمیم‌گیران دولت عدالت و توسعه جنبه‌های اقتصادی و تجاری را نیز در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهند، باید از گزینه دوم بهره بگیرند و در این حالت ۴ واحد سودمندی به دست می‌آورند. اگر جنبه‌های نظامی و استراتژیک در کانون توجه آن‌ها باشد، باید از گزینه سوم استفاده کنند و در نهایت اگر جنبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیک مطمع نظر آن‌ها قرار گیرد باید اصولاً از گزینه دوم بهره ببرند. با توجه به اینکه اولویت‌بندی گزینه‌ها در سیاست خارجی ترکیه بر اساس واحد سودمندی و ترجیحات جنبه‌های مختلف انجام می‌گیرد، رهبران ترکیه می‌توانند ترکیبی از گزینه‌ها را با توجه به جنبه‌هایی که بر آن تأکید دارند انتخاب نمایند.

جدول شماره (۱): خلاصه‌ای از مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی در سیاست خارجی

حزب عدالت و توسعه

مجموعه‌ای از گزینه‌ها	جنبه‌های سودمندی و معیارهای ارزیابی	ترتیب ترجیحات و رتبه‌بندی: (۱ > ۲ > ۳ > ۴)
A1: سیاست خارجی حفظ وضع موجود (SQ): الف: تأکید بر جهت‌گیری غرب-محور ب: جهت‌گیری تقابلی ج: جهت‌گیری امنیت و دفاع - محور	D1: جنبه‌های سیاست داخلی الف: آیا گزینه Ax منجر به بقای سیاسی حزب عدالت و توسعه در قدرت ترکیه می‌شود؟	D1: در جنبه‌های سیاست داخلی A2=4>A1=3>A3=2>A4=1
A2: سیاست خارجی جدید NFP-A الف: تأکید بر جهت‌گیری اروپا - محور ب: سیاست خارجی صلح جو یا نه ج: قدرت نرم - محور	D2: جنبه‌های اقتصادی الف: آیا گزینه Ax منجر به یک سیاست خارجی غیر تقابلی در روابط ترکیه با کشورهای اتحادیه اروپا می‌شود؟	D2: در جنبه‌های اقتصادی A2=4>A3=3>A1=2>A4=1
A3: سیاست خارجی جدید NFP-B الف: تأکید بر استقلال عمل ترکیه ب: سیاست خارجی صلح جو یا نه ج: قدرت نرم - محور	D3: جنبه‌های نظامی و استراتژیک الف: آیا گزینه Ax منجر به یک جهت‌گیری صلح-محور و غیر تقابلی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه می‌شود؟	D3: جنبه‌های نظامی و استراتژیک A3=4>A2=3>A4=2>A1=1
A4: سیاست خارجی ملی‌گرایانه الف: تأکید بر کشورهای مسلمان ب: جهت‌گیری ضد-اتحادیه اروپا ج: سیاست خارجی اسلام-محور	D4: جنبه‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی الف: آیا گزینه Ax می‌تواند زمینه‌ای را فراهم سازد که ترکیه بتواند از پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیکی در سیاست خارجی خود استفاده نماید؟	D4: جنبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی A2=4>A3=3>A4=2>A1=1
	D4: جنبه‌های ایدئولوژیکی و فرهنگی الف: آیا می‌تواند وسیله‌ای باشد تا ترکیه بتواند از آن برای ورود به اتحادیه اروپا استفاده نماید؟ ج: آیا می‌تواند به‌عنوان وسیله برای تبدیل شدن ترکیه به یک قدرت مرکزی در منطقه مورد استفاده قرار گیرد؟	

جدول شماره (۲): ماتریس تصمیم‌گیری رهبران دولت عدالت و توسعه

گزینه‌های سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه	جنبه‌های سیاست خارجی				مجموع سودمندی (میانگین)
	سیاست داخلی D1	اقتصادی D2	نظامی / استراتژیک D3	ایدئولوژیک D4	
جهت‌گیری حفظ وضع موجود (SQ) A1	۳	۲	۱	۱	۷ (۱,۷۵)
سیاست خارجی جدید-A A2	۴	۴	۳	۴	۱۵ (۳,۷۵)
سیاست خارجی جدید-B A3	۲	۳	۴	۳	۱۲ (۳)
سیاست خارجی ملی‌گرایانه A4	۱	۱	۲	۲	۶ (۱,۵)

نتیجه‌گیری

سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه برآیند پروسه پیچیده و چندوجهی تصمیم‌گیری است که تعداد متعددی از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی در آن دخالت دارند. فهم جهت‌گیری‌های نخبگان اسلام‌گرای ترکیه نیازمند یک چارچوب تئوریکی است که بتواند گزینه‌های مختلف سیاست خارجی آنها را براساس جنبه‌های سودمندی هریک از گزینه‌ها مورد تحلیل قرار دهد که کاربست مدل نظریه شهودی چندوجهی چنین درکی را فراهم می‌سازد. در چارچوب مدل تصمیم‌گیری شهودی چندوجهی، به سوالات پژوهش می‌توان چنین پاسخ داد: (۱) جنبه سیاست داخلی اساس تصمیم‌گیری است. حزب عدالت و توسعه برای بقای سیاسی، به دست آوردن مشروعیت به‌منظور پیروزی در انتخابات آتی، نیازمند توجه ویژه به محیط داخلی و جامعه مدنی می‌باشد و علی‌رغم پیشینه اسلام‌گرایانه حزب و رهبران آن، سیاست‌های ضد اروپایی و ضد- غرب‌گرایانه اتخاذ نکرده است. (۲) جهت‌گیری حفظ وضع موجود سیاست خارجی ترکیه در دهه ۱۹۹۰ که بیشتر، امنیت-محور، واکنشی و قدرت‌سخت محور بود، در فضای رقابتی جدید منطقه‌ای نمی‌تواند منافع ملی ترکیه را تأمین نماید به همین دلیل رهبران حزب، یک سیاست خارجی فعال، کنشی، حلال‌مشکل و توسعه-محوری را در دستور کار خود قرار دادند. (۳) ممانعت‌ها و انتقاداتی که از سوی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به‌ویژه فرانسه و آلمان به عضویت کامل ترکیه اعمال شده، باعث گردید که رهبران این حزب منافع ملی خود را در منطقه خود جستجو کنند، بنابراین علی‌رغم باز شدن درهای مذاکره برای ورود ترکیه به اتحادیه اروپا، منطقه خاورمیانه، حوزه بالکان و آسیای مرکزی در کانون توجه آنها قرار گرفت.

اما با در نظر گرفتن ترتیبات ترجیحی و جنبه‌های سودمندی گزینه‌های سیاست خارجی دولت عدالت و توسعه در قالب مدل شهودی چندوجهی، و با توجه به استراتژی چشم‌انداز ۲۰۲۳ ترکیه، به نظر می‌رسد سیاست‌های منطقه‌ای دولت عدالت و توسعه در راستای ورود به اتحادیه اروپا و ایجاد اتحاد استراتژیک با غرب قرار دارد. در چارچوب نگاه منطقه‌ای، رهبران دولت عدالت و توسعه برای تبدیل شدن به قدرت مرکزی در خاورمیانه و سودای رهبری جهان اسلام، سعی در اتخاذ یک جهت‌گیری فعال و ایدئولوژیک نسبت به تحولات منطقه خاورمیانه و به‌ویژه جهان اسلام دارند. اما توجه همزمان به منافع ایدئولوژیک منطقه‌ای و جهت‌گیری‌های غرب‌گرایانه موجب ایجاد تناقض در سیاست خارجی ترکیه

و تضعیف جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای این کشور در تحولات اخیر خاورمیانه به‌ویژه در مصر، سوریه، لیبی، عراق و یمن گردیده است. حمایت‌های نظامی و سیاسی از گروه‌های تروریستی و تکفیری داعش و النصره، سرمایه‌گذاری برای ابقای رژیم خودکامه قذافی در لیبی به خاطر حجم وسیع منافع اقتصادی، حمایت‌های همه‌جانبه از عربستان سعودی در حمله به یک کشور اسلامی، حمایت از رژیم مستعفی منصوره‌ادی و کمک‌های مالی علیه شیعیان در یمن، جایگاه ترکیه به‌عنوان یک قدرت مرکزی در جهان اسلام را نزد افکار عمومی مسلمانان منطقه تضعیف خواهد کرد و نهایتاً، مدل دمکراسی اسلام‌گرایانه دولت عدالت و توسعه در تعیین نوع نظام سیاسی دولت‌های اسلامی دستخوش تغییر، نقش پررنگی نخواهد داشت. *



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه

منابع فارسی

- جیمز دوئرتی و فالترگراف، (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، قومس .
- چگینی زاده، غلامعلی، خوش اندام بهزاد، (۱۳۸۹)، تعامل و تقابل پیرامون گرایی و غرب گرایی در سیاست خارجی ترکیه، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵، تابستان، صص ۱۸۹-۲۲۰.
- قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۸۸)، روابط بین‌الملل: نظریه و رویکردها، تهران، انتشارات سمت.

منابع انگلیسی

- Astorino-Courtois, Allison and Brittani Trusty. 2000. Degrees of Difficulty: The effect of Israeli Policy Shifts on Syrian Peace Decisions. *Journal of Conflict Resolution*. 44(3): 359-377.
- Brule, David. 2005. "Explaining and Forecasting Leaders' Decisions: A Poliheuristic Analysis of the Iran Hostage Rescue Decision." *International Studies Perspectives*. 6: 99-113.
- Charles Hermann; "Decision Structure and Process Influences on Foreign Policy"; In Maurice A. East, Stephen A. Salmore and Charles Hermann, eds.; Why Nations Act, (Beverly Hills: Sage, 1978) pp. 69-102.
- Danish Institute, 2009. *The new wave of Foreign Policy Activism in Turkey*. Danish Institute for International Studies (DIIS) Report 2009: 05
- Davutoglu, Ahmet (2010), "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", *Azerbaijan Focus*, Vol. 1 (1), 2010.
- Davutoğlu, Ahmet. December 2004. "Principles of Turkish Foreign Policy" Address at: SETA Foundation, Washington D.C. Branch, December 8, 2004, Douglas C. Foyle; "Public Opinion and Foreign Policy: Elite Beliefs as a Mediating Variable", *International Studies Quarterly*, Vol. 41, No. 1 (Mar., 1997) pp. 141-169.
- George Breslaier and Phuiptetlock eds.; *Learning in US and Soviet Foreign Policy*, (Boulder: Westview Press, 1991).

- Gray, Colin S. 2007. *War, Peace and International Relations: An Introduction to Strategic History*. NY: Routledge.
- Gül, Abdullah. 2007. Abdullah Gül: *Horizons of Turkish Foreign Policy in the Ankara*, the Turkish Ministry of Foreign Affairs publications.
- Irving L. Janis; *Perception and Misperception in International Politics*, (Princeton: Princeton University Press, 1971).
- Larrabee, F. Stephen and Ian O. Lesser. 2003. *Turkish Foreign Policy in an Age of Uncertainty*. Santa Monica, CA: RAND.
- Margaret G. Hermann and Charles F. Hermann; "Who Makes Foreign Policy Decision and How: An Empirical Inquiry", *International Studies Quarterly*, Vol. 33, No. 4 (Dec., 1989) pp. 367 – 368.
- Michael J. Shapiro, and Matthew G. Bonham; "Cognitive Process and Foreign Policy Decision – Making", *International Studies Quarterly*, Vol. 17, No. 2 (June, 1973) pp. 147–174.
- Mintz, Alex and NehemiaGeva. 1997. "*The Poliheuristic Theory of Foreign Policy Decision-making*". In: *Decision-making on War and Peace: The Cognitive Debate*. NehemiaGeva and Alex Mintz (eds). Boulder, CO: Lynne Rienner.
- Mintz, Alex. 2004. "How Do Leaders Make Decisions?" *Journal of Conflict Resolution*. 48: 3–13.
- Mintz, Alex; "The Decision to Attack Iraq: a Noncompensatory Theory of Decision Making"; *Journal of Conflict Resolution*, No, 37 (December 1993), Pp. 595-618.
- Mintz, Alex; *Integrating Cognitive and Rational Theories of Foreign Policy Decision Making*; New York: Palgrave, 2002, P. 3.
- Murinson, Alexander. 2006."The Strategic Depth Doctrine of Turkish Foreign policy, "*middle Eastern Studies*, Vol. 42, No: 6, November.
- Öniş,2009. Between Europeanization and Euro-Asianism: Foreign Policy Activism in Turkey during the AKP Era. *Turkish Studies*, 10-1: 7- 24.
- Öniş, Ziya and ŞuhnazYılmaz. 2005. Turkey–EU–US Triangle in Perspective: Transformation or Continuity? *The Middle East Journal*, Vol.59, No.2: 265–84.
- Öniş, Ziya. 2003. "Domestic politics, International Norms and Challenges to the State: Turkey–EU Relations in the post-Helsinki Era". *Turkish Studies*, 4 (1).
- Paul Anderson. 1990,"What do Decision–Makers Do When They Make a Foreign Policy Decision?", *Turkish Studies*. pp. 285–308.
- Payne, John; James Bettman & Eric Johnson; *the Adaptive Decision Maker*; Cambridge: Cambridge University Press. 1993.
- Valerie M. Hudson,2005 , "*Foreign Policy Analysis: Actor – Specific Theory and the Ground of foreign policy analysis*."

منابع ترکی استانبولی

- Davutoğlu, Ahmet. 2004. TürkiyeMerkezÜlkeOlmalı *Turkey Should be a Pivotal/Central Country]. *Radikal*, February 26.
- Radikal 2003. *AKP'ninYeniZarfi. Radikal zİnternet* baskısı (Radikal Online). <http://www.radikal.com.tr/haber.php?haberno=100157> (accessed 27.09.2011)
- Turkish Statistical Institute (TIS) *TürkiyeİstatistikKurumu*, 2011; the Foreign Economic

Relations Council (FERC- DışEkonomikİlişkilerKonseyi).

Erdoğan, RecepTayyip. 2003. b (January 28th). Erdoğan' ın *AkPartiMeclisGrupToplantısında* *aptıġkonuşmanın tam metni*. AKP Official Web-site.

Erdoğan, RecepTayyip. 2002 (September 4th). Erdoğan, AB *dönemBaşkanıDanimarka`nın Ankara BüyükelçisiHoppe`yıkabuletti*. AKP Official Web-site. <http://www.akparti.org.tr/site/haberler/erdogan-ab-donem-baskani-danimarkanin-ankara-buyukelcisi-hoppeyi-kabul-etti/3992> (accessed, 27.09.2011).





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی